

نگرشی بر دیدگاه های کشورهای اطراف دریای خزر درباره نحوه استفاده از منابع آن و مواضع ایران

دکتر علی اصغر اسمعیل پورروشن *

دکتر غلامحسین اسکانی **

چکیده

این پژوهش رژیم حقوقی دارای خزر را با توجه به تغییرات جدیدی که در ساختار اتحاد جماهیر شوروی (سابق) ایجاد شده است، بررسی می نماید. بدین منظور ابتدا موقعیت جغرافیایی دریای خزر و دولت های ساحلی تبیین گردیده و با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیل ضمن بررسی الگوهای متداول تقسیم پهنه های آبی، به پایش دیدگاه ها و نقطه نظرات پنج کشور ساحلی در خصوص رژیم حقوقی خزر پرداخته است. نتایج مقاله بیانگر این است که پنج کشور همجوار خزر با پافشاری بر الگوهای ادعایی خود نتوانسته اند زمینه لازم برای تحدید حدود و تعیین رژیم حقوقی این دریا را براساس حسن همجواری، مستندات تاریخی، علمی و قانونی به سرانجام برسانند و به تکروری سیاسی و اقتصادی در این عرصه روی آورده اند، که این امر بر مقوله تشکیل نظام منطقه ای منسجم و پایدار متشکل از این کشورها تأثیر سوء می گذارد و ضمن عدم امکان بهره برداری مناسب از منابع طبیعی عظیم این دریا، منجر به بروز مناقشات جدی تر بین آنها می شود. این دریا در صورتی استوار و صلح آمیز خواهد بود که دولت های ساحلی تصمیم داشته باشند عدم اطمینان را از منطقه به وسیله مصالحه بر سر ایجاد یک نظام حقوقی جدید دور سازند. این دولت ها باید مراحل مذکرات خود را برای دستیابی به موافقت نامه جدید سرعت بخشند، و در همان زمان با دقت، همه جنبه های گوناگون دریا را به نحوی که منافع عموم کشورهای حاشیه دریا لحاظ گردد، بررسی نمایند.

واژگان کلیدی: دریای خزر، رژیم (نظام) حقوقی، کنوانسیون، کشورهای ساحلی.

*استاد یار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

**استاد یار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۷

فروپاشی امپراطوری‌ها در عصر جدید موجب تحولات اساسی در روابط سیاسی در سطح فرامنطقه‌ای و در حوزه کشورهای اطراف این امپراطوری‌ها شده است. تقریباً تا نیمه قرن بیستم، کشورها شاهد فروپاشی و اضمحلال سه امپراطوری بزرگ روسیه تزاری، عثمانی و انگلیس بوده‌اند. تجربه اضمحلال این سه امپراطوری و قدرت‌های دیگر در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرات بس شگرف بر وضعیت کشورها گذاشته است. در این میان فروپاشی شوروی سابق و برهم خوردن نظام دو قطبی منجر به ظهور جمهوری‌های متعدد در منطقه آسیای میانه و تبدیل دو کشور ساحلی دریای خزر به پنج کشور شده است. در واقع تغییرات ژئوپلتیک در حوزه دریای خزر و افزایش کشورهای ساحلی موجب طرح مسائل جدیدی در منطقه و حتی جهان شد و این موضوع برای ایران به عنوان یکی از کشورهای ساحلی خزر بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. چرا که تغییرات چنین بنیادین در همسایگی یک کشور می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های زیادی را پدید آورد. بطوری که هم‌اکنون منابعی از قبیل نفت، گاز، منابع آبی، مسائل زیست محیطی، امنیتی و رژیم حقوقی دریای خزر که در گذشته از سوی دو کشور ساحلی (ایران و شوروی سابق) کانون توجه نبوده، به موضوعی مهم در روابط کشورهای ساحلی مبدل گردیده است. طرح‌های مربوط به بهره‌برداری از منابع انرژی و انتقال آنها به بازارهای مصرف، آغاز به کار کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب و توسعه سریع آن، روند تخریب محیط زیست و منابع آبیان و اقدامات کشورهای ساحلی در این زمینه که بعضاً با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی نیز همراه است و از همه مهمتر مذاکرات کشورهای ساحلی در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر از جمله موضوعات مطرح در منطقه و همچنین برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

بیان مسئله

تحولات جهانی اوایل دهه ۹۰ و بویژه فروپاشی شوروی سابق اثرات ژرفی بر محیط منطقه‌ای خزر و نیز عرصه بین‌المللی نهاد که از جمله مهمترین آنها پیدایش ۱۵ کشور جدید در عرصه بین‌المللی بود که هر یک با اهداف و آرمان‌ها و در عین حال چالش‌های خاص خود پا به عرصه وجود نهادند، به نحویکه به‌همراه برخی کشورهای دیگر بسان بازیگران صحنه‌های

تئاتر، نمایشهای مختلفی را ارائه کرده و می‌کنند فی المثل بازیگران بخش مرکزی: ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان.

بازیگران بخش پیرامونی: گرجستان، ارمنستان، ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، ازبکستان و چین و بازیگران بخش مداخله‌گر: آمریکا، اروپا، اسرائیل، عربستان سعودی، هند، ژاپن (احمدی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). لذا با توجه به اهمیتی که نظام منطقه‌ای دریای خزر از نظر ملاحظات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی در سیستم بین‌المللی داراست؛ قدرتهای بزرگ و مداخله‌گر، هر کدام به نوعی خواهان رخنه و نفوذ در داخل این نظام منطقه‌ای هستند.

بازیگران بخش پیرامونی: گرجستان، ارمنستان، ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، ازبکستان و چین و بازیگران بخش مداخله‌گر: آمریکا، اروپا، اسرائیل، عربستان سعودی، هند، ژاپن (احمدی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). لذا با توجه به اهمیتی که نظام منطقه‌ای دریای خزر از نظر ملاحظات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی در سیستم بین‌المللی داراست؛ منجر به آن شده که بسیاری از قدرتهای مداخله‌گر، هر کدام به نوعی خواهان رخنه و نفوذ در داخل این نظام منطقه‌ای باشند. همین امر بحث مالکیت بر خزر را دامن زده و میزند در این میان دریای خزر نیز که تا قبل از آن دریاچه بسته‌ای بین دو کشور ایران و شوروی محسوب می‌شد بدلیل برخورداری از موقعیت راهبردی و منابع غنی طبیعی و با کشف منابع عظیم نفتی و گازی در آن به ناگهان اهمیت ویژه‌ای یافته و به صحنه رقابت قدرتهای فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. موقعیت ژئواکونومیک خزر و وجود منابع نفت، گاز و خاوریار در کنار موقعیت ژئوپلیتیک آن همچون همسایگان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با چین، روسیه و ایران پس از فروپاشی شوروی اهمیت ژئواستراتژیک به این منطقه بخشیده و عدم تبعیت کشورهای ساحلی از یک نظام حقوقی این پهنه عظیم آبی را با شرایط دشواری روبرو کرده است.

- انگیزه تحقیق

به دنبال فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد، موقعیت ژئوپلتیک جهان و دستخوش تغییرات شگرفی شد که در این میان تحولات آسیای مرکزی و قفقاز بسیار اهمیت دارد. تغییرات به وجود آمده در این منطقه از یک طرف و کشف ذخایر جدید نفت و گاز در دریای خزر از طرف دیگر باعث شد که کشورهای ساحلی دریای خزر بعنوان عامل جدید و موثری در مجموعه اقتصادی و سیاسی جهان در دوران پس از جنگ سرد تبدیل شوند.

موقعیت ژئوپلتیک دریای خزر پس از فروپاشی شوروی کاملاً تغییر نموده و روسیه سلطه و نفوذش را در منطقه دریای خزر از دست داده است. در واقع، حکومت مستقل جدید دریای خزر نگاه بر شرق امانه به روسیه بلکه به همسایگان خود را در پیش گرفته‌اند. موقعیت ترکیه و ایران در منطقه قوی‌تر گردیده و ایالات متحده نیز ایفا نقش جدی بعهدہ گرفته است عوامل منطقه‌ای نیز جهت ایفای نقش سیاسی و اجتماعی قابل ملاحظه فعالیت می‌کنند. موقعیت نظامی استراتژیک و ژئوپلتیکی منطقه به نحوی است تا قدرت‌های مداخله‌گر، هر کدام به نوعی خواهان رخنه و نفوذ در داخل این نظام منطقه‌ای باشند.

- قلمرو تحقیق

اگرچه منطقه خزر به مفهوم جغرافیایی کلمه در بردارنده کشورهای ساحلی دریای خزر است ولی ژئوپلتیک آن را نمی‌توان و نباید از منطقه وسیع‌تر آسیای مرکزی و قفقاز جدا ساخت. در واقع منطقه خزر حلقه اتصال میان پنج کشور آسیای مرکزی و

۳ کشور قفقاز است (شکل ۱) و در این پژوهش قلمرو تحقیق کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای ساحلی حوزه دریای خزر و محدوده و موقعیت جغرافیایی دریای خزر می باشد.



شکل (۱) منطقه خزر و کشورهای حاشیه آن منبع میکی پدیا

- سؤالات تحقیق

- ۱- آیا فروپاشی شوروی سابق سبب بروز تنش در منطقه شده است؟
- ۲- آیا ایران در حال از دست دادن منافع ملی خود در دریای خزر است؟

فرضیات تحقیق :

- بنظر می رسد تجزیه شوروی منجر به بروز تنش در منطقه گردیده است.
- بنظر می رسد ایران در حال از دست دادن منافع ملی در دریای خزر باشد.

مواضع چهار کشور ساحلی درباره نحوه تقسیم خزر و سیاست ایران

همانطور که در قسمت‌های پیشین (بیان مسئله) بیان شد و براساس قواعد حقوق بین‌الملل، بایستی قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ همچنان تا تعیین میثاق مورد توافق پنج کشور به عنوان مبنای رژیم حقوقی خزر محسوب و حتی می‌توان با تکمیل و منطبق کردن این دو قرارداد با شرایط فعلی، بسیاری از مسائل پیش آمده را حل کرد. اما در این میان هیچ کدام از کشورهای همسایه به جز ایران تا کنون پایبند به این قراردادها نبوده است و هر کدام بر مبنای الگوهای بس متفاوت به تقسیم خزر پرداخته‌اند که در ادامه به آنها می‌پردازیم. (عطار زاده ، ۱۳۸۳ ، ۴۸)

قزاقستان: تقسیم براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها

کشور قزاقستان نظام حقوقی موجود را فاقد مشروعیت و غیر مفید برای کشورهای ساحلی می‌داند و معتقد است در پرتو تغییر بنیادین شرایط، قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ کارایی خود را از دست داده‌اند. این کشور معتقد است دریای خزر از بسیاری جهان با خصوصیات دریاچه‌های موجود در جهان متفاوت است و از لحاظ حقوقی باید برخوردی جدا از مقوله دریاچه‌ها و آب‌های داخلی با آن صورت گیرد. به ویژه به سبب ارتباطی که این دریا از طریق رودخانه ولگا در نتیجه احداث کانال‌های متعدد با دریای سیاه و بالتیک پیدا کرده است؛ بنابراین باید نظام حقوقی حاکم بر دریاها یعنی اصول کنوانسیون حقوق دریای ۱۹۸۲ بر این پهنه آبی تسری پیدا کند. به این ترتیب کشورهای ساحلی خزر مجاز خواهند بود که مناطق تحت حاکمیت و صلاحیت خود را در دریای خزر به شرح دریای سرزمین با ۱۲ مایل دریایی، منطقه نظارت با ۴۵ مایل، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره با ۲۰۰ مایل با تحدید حدود مناطق مورد بحث با کشورهای مجاور و یا مقابل بپردازند. (دبیری ، ۱۳۷۹ ، ش ۵)

ترکمنستان: تمایل به کنوانسیون حقوق دریاها

ترکمنستان ابتدا از ایده ایران مبنی بر استفاده مشاع و مشترک از خزر حمایت می‌کرد اما رفته رفته با دیدگاه قزاقستان مبنی بر استفاده از کنوانسیون حقوق دریاها در مورد خزر متمایل شد. بر همین اساس عشق‌آباد قانونی را در مجلس ملی‌اش به تصویر رساند که براساس آن ۱۲ مایل از ساحل دریای خزر را به عنوان دریای سرزمینی اعلام می‌کرد. ترکمنستان چندی بعد (سال ۱۹۷۷)، پیشنهادی مبنی بر گسترش دریای سرزمینی هریک از کشورهای ساحلی از ۱۲ مایل به ۴۵ مایل و مالکیت مشترک آنها را بر مابقی دریا ارایه کرد. همچنین این کشور در سال ۱۹۷۷ قراردادی برای تقسیم دریا براساس خط میانه با

آذربایجان امضاء کرد؛ اما در عمل به خصوص در مورد حوزه نفتی کاپاز ترکمن‌ها به آن سردار می‌گویند، دچار اختلاف شدند که همچنان ادامه دارد. (گلزاری، ۱۳۸۲، ۱۸)

روسیه: چرخش از سیاست اولیه و گرایش به تقسیم

سیاست روسیه درباره خزر پس از فروپاشی شوروی سابق دو دوره متفاوت را نشان می‌دهد. روسیه در سال ۱۹۹۲ از دیدگاه ایران مبنی بر بهره‌برداری مشترک از منابع دریای خزر حمایت کرد و در ۵ اکتبر ۱۹۹۴ به دنبال پیمان‌هایی که در ۳ دسامبر ۱۹۹۳ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ به ترتیب میان جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان با کنسرسیوم‌های نفتی غرب برای کاوش و بهره‌برداری از منابع نفتی زیر بستر دریای خزر منعقد شد، طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد اعتراض کرد. روسیه قبل از این در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۹۴ نیز در واکنش به طرح آذربایجان مبنی بر تقسیم دریای خزر اعلام داشته بود که این دریا مجموعه آبی بسته‌ای است که همواره موضوع بهره‌برداری مشترک ساحلی آن مطرح بوده است. به علاوه روسیه در موارد عدیده‌ای اعلام کرده است که مقررات حقوق دریا بر خزر شمول پیدا نمی‌کند. با وجود این، روسیه که در ابتدا مواضع یکسان و همانند با جمهوری اسلامی ایران داشت به تدریج با کشف میدان‌های نفتی جدید در خزر از این مواضع فاصله گرفت (موحد، ۱۳۸۵، ۳۷).

پوتین و حضور جدی در روسیه

با انتخاب پوتین به ریاست جمهوری روسیه و ایجاد ثبات نسبی در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور و مشخص‌تر شدن اهداف و عملکرد غرب و آمریکا در منطقه خزر سیاست خارجی روسیه در این حوزه وارد مرحله نوینی از اثبات همراه

با اقتدار در تأمین منافع ملی و برخورد با رقبای خود شد و حوزه خزر به یکی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی این کشور تبدیل شد. روسیه کار گروه ویژه‌ای را بوجود آورد که براساس الگوی پیشنهادی این کار گروه روسیه معتقد است که می‌توان در عین حال که منابع سطح دریا را براساس خطوط منصف و متساوی‌الفاصله از ساحل دو طرف میان کشورهای تقسیم کرد، رژیم حقوقی سطح آب براساس مشاع به صورت استفاده مشترک باشد. این به معنای استفاده مشترک دریای خزر در بخش‌های ماهیگیری، حمل‌ونقل، محیط زیست و استفاده از ماورای خزر است، روسیه ابتدا عرض آبهای سرزمینی را ۴۵ مایل و سپس ۲۰ مایل و در آخر بار ۱۵ مایل پیشنهاد کرده است و معتقد است یک سازمان نظارتی می‌تواند مسائل مربوط به اختلافات را حل و فصل کند (وحیدی، ۱۳۸۳: ۸۸).

آذربایجان: ایجاد مناطق دریایی و تأکید بر خط موهوم آستارا- حسینقلی

این کشور به دنبال مشخص شدن مرزهای آبی در دریای خزر بر مبنای توافقات انجام شده بین آذربایجان، روسیه و قزاقستان و رجوع به نقشه‌های دوران اتحاد جماهیر شوروی است. مبنای تقسیم دریا برابر نظر آذربایجان براساس نقشه‌های مربوط به مرزهای داخلی است که در قبل از سال ۱۹۹۱ در جریان قرارداد ماهیگیری اتحاد شوروی انجام شده بود. تقسیم کامل دریا بر اساس خط منصف الگوی ادعایی این کشور است که در این صورت هر کشور اختیار کامل آب‌های خود را خواهد داشت و آذربایجان خواهد توانست از منابع نفت و گاز خود استفاده کند زیرا «از ۴ میلیون بشکه ذخایر پیش‌بینی شده آذربایجان تنها یک بلیون بشکه آن متعلق به منابع سرزمینی یا ساحل است و ۳ بلیون بشکه دیگر در فلات قاره آن قرار دارد» (عنایت‌الله، ۱۳۸۶: ۱۵۲). طبق ادعای آذربایجان اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۰ منطقه بالای خط فرضی آستارا-

حسینقلی را بین جمهوری‌های حاشیه دریای خزر تقسیم کرده و در قراردادی محرمانه با ایران این خط را به عنوان خط مرزی دو کشور تعیین کرده است (باوند، ۱۳۸۱، ۱۷).

خط موهوم آستارا- حسینقلی

اگر دو سوی مرزهای زمینی ایران در کناره دریای خزر را به هم وصل کنیم خطی پدید خواهد آمد که به نام آستارا- حسینقلی معروف است. آبهای زیر این خط حدود ۱۱/۳ درصد از کل آبهای خزر است. همانطور که ذکر شد آذربایجان مدعی وجود این خط به عنوان مرز ایران و شوروی در گذشته بوده است. در این میان برخی از کارشناسان ایرانی همانند گیو میرفندرسکی فرزند احمد میرفندرسکی وزیر خارجه پیشین ایران با ارائه دلایلی از وجود این خط دفاع کرد و دو موضوع ۱- مرزهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی طبق پیمان نامه ۱۲ مه ۱۹۷۵ از میله شماره صفر در محل تلاقی مرزهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه در غرب آغاز و به میله شماره ۲۷۲ در محل تلاقی مرزهای شوروی، ایران و افغانستان در شرق منتهی می شود. میله شماره ۱۴۴ این خط مرزی در انتهای مرزهای خاکی غربی در آستاراچای و میله بعدی، میله شماره ۱۴۵ است که در شمال گنیش تپه (حسینقلی) قرار دارد که با کشیدن خط مستقیم بین این دو در خزر مشخص می شود. ۲- وی همچنین به جریان اسکورت کشتی شهسوار در سال ۱۹۳۷ با کشتی شاهرخ در ۳۲ سال بعد از آن در آبهای پس از خط توسط شوروی و از برخی مدارک دیگر برای اثبات نظر خود استفاده می کند (وحیدی، ۱۳۸۳: ۲۰).

ایران، از مشاع تا سهم ۲۰ درصد

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای فروپاشی شوروی به رژیم حقوقی مشاع و استفاده مشترک از دریای خزر گرایش نشان داد. این مواضع همسو با روسیه تا سال ۱۹۹۷ ادامه پیدا کرد. اما با توجه به تحولات نفتی در خزر شمالی و تغییر سیاست روسیه مبنی به ورود به قراردادهای دو جانبه با قزاقستان (۱۹۹۶) و آذربایجان و نداشتن تمایل دیگر کشورها، ایران نیز موضع خود را تغییر داد و در عین تأکید بر رژیم مشاع اعلام کرد که اگر دیگر کشورهای ساحلی به اتفاق به رژیم مستقیم اعتقاد

دارند، ایران با شرط یگانگی نظام حقوقی خزر، بستر، سطح دریا و همچنین مساوی بودن سهم کشورها از خزر؛ رژیم حقوقی تقسیم دریای مازندران به آبهای ملی را می‌پذیرد. مهدی صفری نماینده ویژه ایران در امور خزر نیز معتقد است که توافقات دوجانبه بین کشورها بدون توافق جمعی بی‌فایده است (جدول ۱).

جدول (۱) : قراردادهای دوجانبه و سه جانبه کشورهای ساحلی خزر در مورد رژیم حقوقی

کشورها	سال	موضوع
روسیه - قزاقستان	۱۹۸۸	بستر دریای خزر در قسمت شمالی بر مبنای خط میانه و استفاده مشترک از سطح آب
جمهوری آذربایجان - روسیه	۱۹۹۷	ایجاد خطوط مرزی آبی بر مبنای خط میانه
جمهوری آذربایجان - روسیه	۲۰۰۲	مبنی بر تقسیم بستر دریا بر مبنای خط میانه و استفاده مشترک از سطح آب
ری آذربایجان - قزاقستان - روسیه	۲۰۰۳	بود مرزی دو کشور در دریای خزر بر مبنای خط میانه و استفاده مشترک از سطح آب

منبع: احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۳: ۸۲

نتیجه‌گیری

کاملاً روشن است که مناقشه دریای خزر موضوع بحث‌های بسیاری بوده و خواهد بود و این امر ناشی از حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیک و وجود منابع سرشار این دریا است که باعث شده است موضوع اختلافات بین کشورهای ساحلی از مرزهای جغرافیایی این دریا فراتر رود و مورد توجه حقوقی و اقتصادی جهانی قرار گیرد. از دیدگاه حقوق بین‌الملل با فروپاشی شوروی سابق و جانشینی دولت‌های دیگری به جای آن، تعهدات دولت نخست یعنی شوروی سابق به اعتبار خود باقی است. نتیجه اینکه تعیین راه حل‌های حقوقی برای به حداقل رساندن تبعات حقوقی، اقتصادی و سیاسی ناشی از این مناقشات و حفاظت از منافع مسلم ملی در سطح بین‌الملل در گرو مطالعات کارشناسی بسیار است. لذا در کنار رایزنی‌ها و مذاکرات سیاسی، ضرورت توجه به مطالعات گسترده درباره ابعاد مختلف رژیم حقوقی دریای خزر و راهکارهای حقوقی که توسط کارشناسان و صاحب‌نظران در این زمینه تاکنون ارائه شده است، اهمیت بسیار خواهد داشت. چرا که در وضعیت حار با توجه به قراردادهای دو جانبه‌ای که بین کشورهای ساحلی خزر شکل گرفته و تا حدودی منجر به انزوای کشور در فرایند نقش آفرینی در این عرصه شده است، به نظر می‌رسد تعلق بیشتر به مراتب ضررهای جبران ناپذیری را برای ایران به دنبال خواهد داشت. از این رو بایستی با ارائه راه حل‌های مناسب و برگزاری نشست‌های مختلف به تصمیم نهایی در این زمینه نایل شود. و سایر کشورهای حوزه خزر نیز باید توجه داشته باشند که دریای خزر متعلق به دولت‌هایی است که در ساحل آن قرار گرفته‌اند. این دریا در صورتی استوار و صلح‌آمیز خواهد بود که دولت‌های ساحلی تصمیم داشته باشند عدم اطمینان را از منطقه به وسیله مصالحه بر سر ایجاد یک نظام حقوقی جدید دور سازند. این دولت‌ها باید مراحل مذاکرات خود را برای دستیابی به موافقت‌نامه جدید سرعت بخشند، و در همان زمان، با دقت، همه جنبه‌های گوناگون دریا را به نحوی که منافع عموم کشورهای حاشیه دریا لحاظ گردد، بررسی نمایند.

منابع و مأخذ

- ۱- آلن لو، رایین چرچیل (۱۳۷۶): حقوق بین‌الملل دریاها.
- ۲- احمدی پور، زهرا (۱۳۷۹): ژئوپلتیک جدید ایران بعد از جنگ سرد؛ پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹، اسفند ماه، ۱۳۷۹.
- ۳- بریمانی، احمد (۱۳۸۰): دریای مازندران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۲۵۳۵، ص ۳.
- ۴- بی‌طرف، منصور (۱۳۸۶): سهم ایران در دریای خزر، روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶/۱۰/۲۴.
- ۵- دبیری، محمد (۱۳۷۹): رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان منابعی برای صلح و دوستی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره پنجم.
- ۶- طاهری شمیران، صفت‌الله (۱۳۷۸): نظام حقوقی، بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خزر، مجله سیاست خارجی، شماره ۸.
- ۷- عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۵): جغرافیای نظامی کشورهای همجوار، دانشکده افسری.
- ۸- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۳): سیاست تکروی در کشورهای حوزه دریای خزر، روزنامه سلام.
- ۹- گلزاری، مسعود (۱۳۸۲): سفرنامه مگلونوف به سواحل جنوبی دریای خزر، چاپخانه رامین، ص ۱۸.
- ۱۰- لئونید، اسکاپاروف (۱۳۸۵): کشورهای حوزه دریای خزر در قرن ۲۱؛ منطقه رقابت یا همکاری، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴.
- ۱۱- موحد، محمدعلی (۱۳۸۵): جدال سعیدی با مدعی بر سر خط موهوم آستارا- حسینقلی، روزنامه ایران.
- ۱۲- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۳): بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، نشر میزان، تهران.
- ۱۳- ناظمی، مهرداد (۱۳۸۱): بررسی رژیم حقوقی خزر، پژوهش مجلس، سال ۹، شماره ۳۵.
- ۱۴- وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۳): سیاست خارجی روسیه در خزر، مجله آسیای مرکزی و قفقاز.
- ۱۵- هرمیداس باوند، داود (۱۳۸۱): بررسی رژیم حقوقی خزر، گزارش ماهانه، سال ۱۷، شماره ۱۹۲.
- ۱۶- Berton, peter, ۱۹۶۹, International subsystem, International studies quarterly, volume ۱۳, number ۴, December. P. ۳۳۰
- ۱۷- Cantori, Louis j and steven ۱۰, Spiegel, ۱۹۶۹, International studies quarterly, volume ۱۳, December. P. ۶۱

The study of the idea of the ideas of the count vies around Caspian Sea about the way of using its resources and Ivan attitude.

۱- **D.R.Ail Asghar Esmail Pour Roshan department of geography Islamic Azad University.**

۲- **D.r. Eskani kazzazi. Gholam Hossein department of geography Islamic Azad University**